

گزارش مراسم تشییع جنازه  
شهادت مجاهد  
(فاطمه رحیمی و سمیه نقره خواجا)  
در قائم شهر

در صفحه ۴



فوق العاده - یکشنبه ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ - تک شماره ۵ ریال

اطلاعیه‌های مجاهدین خلق ایران  
شاخه مازندران  
در رابطه با جنایات اخیر چماقداران  
و حامیان مسلح آنها  
در قائم شهر

در صفحه ۳

# رگبار گلوله‌های ارتجاع در قائم شهر چندین نفر از خواهران مجاهد را به خاک و خون کشید

● در اثر این حمله نا جوانمردانه ۲ تن شهید  
و تعدادی مجروح شدند

\*\*\*

## سیر حوادث اخیر قائم شهر

جنایات و کشتارهای اخیر در قائم شهر مستقیماً توسط ایادی حزب جنایتکار حاکم و در رأس آنها شاه‌نوش فرماندار حزبی قائم شهر طرح‌ریزی شد و بدست مختار اسماعیلی فرمانده کمیته و تعدادی دیگر از مزدوران مسلح کمیته‌ی این شهر به اجرا درآمد. مختار اسماعیلی (فرمانده کمیته‌ی قائم شهر) شخصاً خواهران مجاهد ما را به رگبار مسلسل می‌بندد و در نتیجه دوتن از آنان را به شهادت می‌رساند.

### وصیت نامه‌های مجاهدین شهید فاطمه رحیمی و سمیه نقره خواجا

در صفحه ۳



مجاهد شهید  
سمیه (پری) نقره خواجا



مجاهد شهید  
فاطمه (رویا) رحیمی

روز دوشنبه، ۳۱ اردیبهشت در قائم شهر، چند چماق‌دار به قصد پاره کردن نشریات هواداران مجاهدین در خیابان ساری به سمت خواهران میلشیا هجوم می‌آوردند. اما میلشیاها قهرمانانها را وادار به عقب‌نشینی می‌کنند. در این موقع نعیمی دادستان ضد انقلابی قائم شهر وارد صحنه شده و نشریات یکی از فروشندهگان مجاهد را می‌رباید اما وقتی با مقاومت روبرو می‌شود، کلت خود را بیرون کشیده و به سینه‌ی خواهری نشانه می‌رود که با عکس‌العمل شدید او مواجه می‌شود. مردم حاضر در صحنه به کمک میلشیا می‌روند که در این موقع نعیمی توسط سپاه از آن محل بیرون برده می‌شود. بلافاصله پس از این جریان، یک ماشین از افراد سپاه در خیابان ساری، جهت جلوگیری از فروش نشریه دست به تیراندازی می‌زنند. هواداران مجاهدین به سمت تونل راه آهن و مجاور محله می‌روند. در این هنگام، حدود ۳۰-۴۰ نفر اوباش مسلح به اسلحه بقیه در صفحه ۲

### نامه شاهدان عینی جنایات اخیر مقامات قائم شهر به رئیس جمهور

در صفحه ۴

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران درباره تهاجمات و حسیانه  
چماقداران و حامیان مسلح آنها به قائم شهر و

### شهادت دو میلشیای قهرمان

بنا م خدا

و

بنا م خلق قهرمان ایران

و ما نغموا منهم الا ان یومنوا بالله العزیز الحمید

هموطنان عزیز! مردم آگاه و انقلابی مازندران! هم چنان که مطلعید، سال گذشته با وعده‌ی "امنیت" آغاز شد اما با تاخت و تاز سراسری چماق‌داران و با افسارگسیخته‌ترین هرج و مرج قضائی و با سرکوب و شکنجه و کشتار نیروهای انقلابی و سرانجام با عزم استوار خلق برای مقاومت در برابر زور و چماق و انحصارطلبی به پایان رسید. هم‌چنین در طلوعه‌ی سالی که با ادعای "حکومت قانون" و "رحمت" و "عظوفت" آغاز شد، خون پنج فرزند آگاه و انقلابی خلق، مجاهدان شهید صنم قریشی، اصغر فلاحی، اصغر قدس، خیرالله اقبالی نژاد و تیمور طالب شریفی به صرب چماق‌ها و گلوله‌های عمال و ایادی مرتجعین در شهرهای بندرعباس، قزوین، قائم شهر و ماسربرزمین ریخت اکنون در آغاز دومین سال "رحمت" و "عظوفت" و در سالگشت به خون‌کشیدن دانشگاه‌ها، هجوم وحشیانه‌ی چماق‌داران به اصطلاح "حزب الله!" و حامیان مسلح آنان در نهادهای رسمی شهر قهرمان پرور قائم شهر را در آتش و خون فرو برد و ده‌ها مجروح و مصدوم و چند شهید مظلوم برجای گذاشت و بدین سان برگ سیاه ننگین دیگری بر دفتر جنایات ضد خلقی و ضد اسلامی انحصارطلبان افزوده گشت.

تهاجم وحشیانه‌ی چماق‌داران و پاسداران مسلح حامی آنان به سردمداری شاه‌نوش، فرماندار جنایتکار قائم شهر از صبح روز سه‌شنبه ۶۰/۲/۱ آغاز شد و در غروب همان روز با حمله‌ی آنان به مردم دلیر و آگاه "مجاور محله" به اوج خود رسید. آنان در این محل، مردم بی‌پناه و بی‌سلاح را به رگبار گلوله بستند و در همان آغاز ۱۰ تن به خاک افتادند، که از میان آنان، خواهران مجاهد فاطمه (رویا) رحیمی و سمیه (پری) نقره خواجا، دوتن از میلشیای دلیر قائم شهر، به شهادت رسیدند و خبر می‌رسد که حال سایر مجروحین نیز وخیم است.

روز چهارشنبه ۶۰/۲/۲ مراسم تشییع جنازه‌ی شهید فاطمه و سمیه که با شرکت ۱۰ هزار نفر از مردم آگاه و مبارز قائم شهر جریان داشت، مورد حمله‌ی چماق‌داران و حامیان مسلح آنان قرار گرفت. آنان مشایعین را به رگبار گلوله بستند و به میان آنان نارنجک پرتاب نمودند که در اثر این حملات چند نفر به شدت مجروح و مصدوم شدند. علاوه بر این، طبق اخبار رسیده یکی از بستگان مجروحین در اثر شدت لطمات روحی سگته کرده و به شهادت رسیده است. . . .

بقیه در صفحه ۴

# سیر حوادث اخیر قائم شهر

بقیه از صفحه اول

گرم و سرد (کلت و قمه) سر رسیده و به تیراندازی و ضرب و شتم اهالی می پردازند. آن ها ناجوانمردانه سینهی خوهری را با قمه می درند. عصر همین روز حدود ۵۰ نفر از ایادی ارتجاع، در حالی که مختار اسماعیلی، فرماندهی عملیاتی کمیته، مسلسل به دست در کنار آن ها حرکت می کرد به بساط هواداران مجاهدین در خیابان ساری حمله می کنند و سنگ پرتاب می نمایند. درگیری به مجاور محله کشیده شده و در آنجا نیز سپاه و کمیته چتر آتش حمایتی خود را بر روی چماق داران می گشایند. طی این حمله و هجوم تعداد زیادی از اهالی محل مورد ضرب و شتم قرار گرفته و دستگیر می شوند. اوپاش در اینجا از تفنگ ساچمه ای نیز استفاده می کردند. که در میان

زخمی ها چند نفر از زانو به پائین بدین وسیله زخمی شده اند. اوپاش سپس به ترک محله رفته و سرانجام ساعت ۴:۰۷ آرامش به محلات باز می گردد. فالانژها در آخرین لحظاتی که محله را ترک می کردند با بلندگو می گویند: "فردا خدمتتان می رسمیم" صبح فردا، اول اردی بهشت، ساعت ۳:۰۵ یک ماشین سپاه ۸ نفر پاسدار به خانه ی یکی از هواداران رفته و مقداری کتاب را به همراه خود می برند. روز سه شنبه مرتجعین به قصد تعطیلی مدارس بیرون می آیند و دبیرستان های سعید محسن، رازی، شریف کاملاً تعطیل می شود. تعدادی مدارس نیز به حال نیمه تعطیل در می آیند. تعداد ۱۵۰ نفر از آن ها با شعارهای جنگ افروزانه به سمت فرمانداری می روند.

چماق داری ها با آن ها همکاری نکرده اند تهدید به اخراج و سرکوب می نماید و در پایان نیت واقعی خود را آشکارا و در حضور چماق داران اظهار می دارد: "باز هم در حضور شما مردم اعلام می کنم که مسئول هر واقعه ای اسفانگیزی و هر حادثه ای گروه هائی خواهند بود که آمادگی استماع حقیقت را ندارند... فکر می کنم این حرف مورد تایید شما باشد" و سپس چماق داران با تکبیر حرف های او را تایید می کنند. ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر اوپاش در یک دسته ی ۱۵۰ نفره دست به یک راه پیمائی کوتاه زده و پس از سخنرانی "شاهنوش" همان تعداد به سمت خیابان ساری و سپس تونل راه آهن رفته و با سنگ به هواداران مجاهدین حمله می کنند. درگیری ها سپس به چهار راه برادران کشیده شده و حدود ساعت ۷ عناصر کمیته با یک لندرور و همراه با شلیک تیرهای هوائی و زمینی وارد محله می شوند. در مقابل آن ها میلیشیای قهرمان و اهالی با شعارهای "توپ، تانک مسلسل دیگر اثر ندارد" هم چنان مقاومت می کنند. دود گاز اشک آور و بوی باروت تمامی فضای محله را پوشانده بود، هواداران به سمت مسجد حنیف رفته و در یک حمله ی مجدد عناصر چماق دار و ژ-۳ بدست را تا مسافتی به عقب می رانند. چند دقیقه بعد از سمت پل هوائی (مدخل ورودی مجاور محله) یک جیب شهباز آبی رنگ با چراغ روشن و آژیر به همراه یک لندرور با سرعت زیاد و شلیک تیرهای هوائی و زمینی به طرف چهار راه می آیند، تعدادی از هواداران در خانه ها پناه گرفته و عده ای دیگر در خیابان سرود به نام خدا را سر می دهند. بار دیگر حدود ساعت ۸ مزدوران مسلح کمیته با سه ماشین لندرور، رنجورر قرمز رنگ و جیب شهباز آبی رنگ با آژیر و شلیک گلوله های هوائی و زمینی به سمت هواداران مجاهدین حمله می کنند، عده ای از خواهران و مادران به سمت مسجد حنیف عقب می نشینند و در همین هنگام بود که با گلوله های مزدوران چندتن از آنان در خون خویش غوطه ور می شوند، جریان واقعه بدین صورت بود که در حین رفتن مادران و خواهران به سمت مسجد حنیف سه جنایتکار شهر مختار اسماعیلی مسلح به مسلسل و مسلم محسنی مسلح به کلت و سیروس ابوئی در سراه لشکری پشت باجهی تلفن و مختار

اسماعیلی به زمین نشسته و بر روی آن ها آتش می گشایند مسلم محسنی نیز در حالی که مسلح به سلاح گرم بود، مادران و خواهران را هدف قرار داده و به طور مشخص یکی از خواهران را از پای در می آورد. در همین ضمن ماشین جیب کمیته یکی از برادران را دنبال کرده و او را با دیوار پرس می کند، تعداد خواهران تیر خورده در این محل ۵ نفر گزارش شده که یکی از آنان به نام فاطمه رحیمی درجا به شهادت می رسد، اسامی چهار خواهر دیگر عبارت است از: انسیه قریشی مهری - محمدنیا - صدیقه محمدی - افسانه عظیمی. هم چنین خواهر شهید سمیه (پری) نقره ای خواجا در محل دیگر به ضرب گلوله ای این ناجوانمردان از پای درآمده و چندتن دیگر نیز مجروح می شوند که از آن جمله مریم اولادی، هما کاظم پور و ... هستند.

مهاجمین پس از این اعمال جنایتکارانه دور زده و قصد ربودن اجساد دو خواهر شهید را داشتند اما با خشم و نفرت مردم محل روبرو شده و موفق نمی شوند، خواهران میلیشیای جنازه ی خواهر رحیمی را چون پرچم سرخ حسینی بر دوش کشیده و با شعارهای "مسلمان بی اخیز، مجاهدین را کشتند" "مجاهد خلق ما رفت به نزد خدا" و... به سمت مسجد حنیف حرکت می کنند، در بین راه مردم از منازل خود بیرون آمده و با شنیدن خبر شهادت فرزند انقلابی خود بر سر و روی می کوبند، گریه و شیون سرداده و حزب حاکم و فرماندار و... را به عنوان عاملین این قتل محکوم می کنند.

از سوی دیگر خواهران میلیشیای شعارهای "یا حسین یا حسین" و "عامل قتل و کشتار، فرماندار جنایتکار" "عامل قتل و کشتار، فرماندار چماق دار، ... خبر شهادت فرزند قهرمان شهر را به اهالی محل می رسانند، زن ها بر سر و روی خود می کوبیدند خواهران مردم را دعوت به مقاومت می کردند، عده ای بی اختیار با لباس بی زامه به صف تظاهرات می پیوستند. و به این ترتیب پیکر پاک میلیشیای قهرمان رحیمی به مسجد حنیف رسید و تا صبح در آنجا نگاهداری شد. در حالی که خواهران و برادران دیگر در بیمارستان با مرگ دست و پنجه نرم می کردند.

خواهر قهرمان دیگر میلیشیای شهید سمیه (پری) بقیه از صفحه ۳

## اعترافات صریح یکی از مهاجمین در مورد فرماندار و رئیس کمیته قائم شهر

اسم و نامی؟ من حسین فاضلی با هشت نفر دیگر که با کمیته قائم شهر در پیوستن به این کار...

اسم و فامیل؟ من حسین فاضلی با هشت نفر به رهبری ذاکری و احمد رنجبر که با کمیته رابطه دارد برای حمله به مجاهدین به پل هوایی آمدیم. حمله کنندگان چه کسانی بودند و از کجا آمدند؟ حمله کنندگان از کمیته و تبلیغات و فدائیان اسلام بودند. و رهبران حمله مختار اسماعیلی و پنج نفر دیگر از کمیته که لباس ارتشی داشته و پشت حمله کنندگان دستور می دادند حمله کنندگان تالار پشت و... (ناخوانا) پائین تالار پشت از قادیکلاه... آمده بودند و از چند روستای دیگر توسط کمیته بسیج شده بودند. که... (ناخوانا) و همچنین ۸ نفر از گروه پیام خون پشت راه آهن به درگیری آمده بودن حمله کنندگان مختار و چند کمیته چی دیگر دارای گاز اشک آور و قلاب سنگ بودند. در درگیری چه کسی از پشت پرده دستور می دهد؟ بعد از سخنرانی خود فرماندار توسط کمیته دستور حمله را داد. قبلاً در چند حمله بودی؟ سه حمله بودم (در حمله ۲۸ شهریور به جنبش معلمین و در حمله چند روز قبل به پل هوایی و این حمله به تشییع جنازه). تیراندازی دیروز را چه کسی نمود و عامل درگیری چه کسی بود؟ مختار اسماعیلی دیروز در مجاور محله به مردم تیراندازی نمود که البته دستور حمله بعد از سخنرانی فرماندار و توسط فرماندار داده شد. دیگر حمله کنندگان ارسلان حبیب نیا از تبلیغات و مسلم شیر و علی حاجی (از انجمن یاسر) بودن.

حسین فاضلی

### وصیت نامه فرمانده میلشیای قهرمان ، مجاهد شهید سمیه (پری) نقره خوجا

بِسْمِ خدایِ عزوجل و بِحَسْبِ حَقایِ دینِ مجتهدان خدایِ شاکستاران ایران  
 شمس سیه (پری) متولد ۱۳۲۸ - نام پدر صدیق - شماره شناسنامه ۱۵۹ - یکی از هواداران  
 سازمان مجاهدین خلق ایران می باشد که با شرکت در کارهای مبارک و ایثارانه اسلام  
 و دینی مردم در راهی خطی است. راهی که پیش گرفته اند با ایثار و فدائیت  
 و جفا در هر چه که با تمام وجود احساس می کنند این حفظ سازمان مجاهدین است  
 که سترانه ما در روزی نایب تجردی می باشد که برای من تمام باجستی و  
 سیرت قابل است بود که مردم ما قدردان های ستم است. بفرمانده سمیه  
 حاجه فاطمه پری، بیرون که در آن ترسنا و فطرت برای تاریخی مستمعین به این  
 بدل نمود. و هیچ عامل شرک را بر حاکم ستم اگر چه ماهرانه می  
 نوازیدند امیرالمؤمنین را برگزیده خلقا مستنویم ولی هدای تازیانند

خداوند را به حمد و تعظیم و تهنیت عرض می نمایم و از انوار لطف و احسان او سپاس  
 می گویم که بفرموده حضرت خاتم النبیین در راهی مبارک و ایثارانه اسلام  
 سزایان را هم در محله رومی ۱۸ سال مبارک و ایثارانه خلق با نقره  
 نیز انجالی که بی ستمی از آنجا که آزادی به زنجیری گشته  
 مرگ ستمی که گشته **عزیز خوجا** **عزیز خوجا** **عزیز خوجا**  
 هدف پیامبرش ناز کردن مردم از قیده بندها بود و بود  
 خلق نرسید تا این بود ما که در با همه سزایان است بفرمان  
 اسلام انقلابی که جاهدین در عمل پیاده می کنند پرور  
 اسلام که از مرتبه قرآن سرچشمه گرفته و هیچ آزادی را بر  
 نمی کنند و نیستند که این قیدی نافرمانی در پیشگاه ایدر  
 داشتند با همه سب و تشییع نماندند تا نبرد با همه سزایان  
 در راهی مبارک و ایثارانه اسلام

### اطلاعیهای مجاهدین خلق ایران - شاخه مازندران در رابطه با جانیات اخیر چماقداران و حامیان مسلح آنها در قائمشهر

در رابطه با وحشیگریهای اخیر مرتجعین حزبی و ایادی چماقدار و مسلح آنان در قائمشهر که منجر  
 به شهادت دوتن از خواهران میلشیا و زخمی شدن تعدادی دیگر از هواداران شد، مجاهدین  
 خلق ایران مرکز مازندران اطلاعیهای متعددی صادر کرده است که در آنها ضمن تشریح مفصل  
 این جریانات به افشای چهرهها و دستهای جنایتکاران پرداختهاند از آنجا که گنجایش صفحات  
 این فوق العاده امکان چاپ همهی آنها را نمی دهد ما صرفاً به درج اطلاعیهای شماره ۴- مجاهدین  
 خلق مرکز مازندران اکتفا می کنیم :

به نام خدا  
 و  
 به نام خلق قهرمان ایران  
 هموطنان آگاه و انقلابی ،  
 مردم قهرمان مازندران  
 اکنون ماهیاست که مردم  
 آزاده و زحمتکش مازندران  
 در زیر فشارهای وحشیانه و  
 نامردمی مرتجعین و ایادی  
 چماقدار و مسلح آنها قرار  
 دارند. چماقداران وابسته به  
 حزب انحصارطلب حاکم  
 همچنان افسارگسیخته در کمال  
 بی رحمی و شقاوت جان و مال  
 و ناموس این مردم آزاده را  
 مورد تعدی و تجاوز قرار داده  
 فرزندانشان را می کشند و  
 اموالشان را به غارت می برند  
 به طوریکه تنها در طی دو  
 هفتهی گذشته بر اثر این  
 حملات و هجومهای نامردمی  
 حداقل دوتن از خواهران  
 مجاهد فاطمه (روییا) رحیمی  
 و سمیه (پری) نقره خوجا بر  
 اثر رگبار گلوله های آنها در  
 قائمشهر به شهادت رسیده  
 و صدها تن مجروح و دستگیر  
 شده اند. این یورشهای وحشیانه  
 در سطح بیشتر شهرها و  
 روستاهای مازندران هنوز هم  
 ادامه دارد به طوریکه حتی  
 به مراسم تشییع جنازه های این  
 خواهران بخون خفته نیز  
 رحم نکرده و با رگبار گلوله  
 و گاز اشک آور به مردم بی دفاع  
 حمله کرده و در کمال وقاحت  
 به میان مردم نارنجک پرتاب  
 کردند.

### وصیت نامه میلشیای قهرمان ، مجاهد شهید، فاطمه (روییا) رحیمی

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 من تاریخ ۲۳ شهریور سال ۱۳۴۲ نزدیک قائمشهر یک از هواداران سازمان مجاهدین  
 خلق ایران می باشم  
 اوایل ستم را با این جمله آغاز می کنم که من این راه را از روی آنگاه و طالب نیست آوردم  
 و هدف و کرامت را در این سازمان پیدا کردم چرا که ما بهین راه اسلام و امن و صلح  
 مردمی در برابر سزایان در جواب استام مرتجعین و فرصت طلبان که می گویند:  
 گمان که وابسته بپست بوده و سازمان بی قدر فقط از روی احساسات استام انجام می  
 که هدف و کرامت را با منم بفرموده بفرموده و امر با ضرب و شکنجه هم با بشناسیم تمام  
 کت بچرا که این تاوان هر روزی است که بر ما خدمتگار استام و در تمام ما مدتی را ب  
 زده ها برباند و ما همه وقت از شکنجه و تهنیت مراسم - خود را می دم و از راستی  
 باز می گردد  
 من و کلیه هواداران در در دهان آن سبب آنکه ارضای آنرا کس نمی تواند کرد  
 کردن در صیو آب آن است رملات چندان که بنا کردن است که آدمی را بر صورت  
 و استوار بر زمین بازم آورد

سنتها ما مرتجعین و فرصت طلبان داریم که مرا که آماده منبر زدیم - تمامه و جوانان آنجا  
 از تو فرموده ما مستند اس شمای که در زیر پرده اسلام زنده ما را از فکر راه اصیلستان بار  
 نه زار می این را یاد اینده مرتضای منم که کینه تا با ما خود بدو در ماهن زنده اند و  
 میردت نخواهد گشت که شاه همد پلیدان برسید  
 از پدر و مادر و معلم کلمه آشنایی و قابل من فراهم که راهم را ادامه دیدم که گران  
 و یک ماه انقلاب  
 در نامه پیام هم به هواداران دارم، بی حقیقت از ترس و نهم الهام و نماز غافل نشویید  
 همیشه در فکر و جوان بوده و هر روز که می گذرد صدم در زلفان نشوید  
 گاهتان استوار  
 صرفقانی مشوره تر  
 بزندان با پیشازان کتابت تر  
 فریادمان که نشوید تر  
 ای سزایان مسر  
 ادا اللهم انصر الما مومنین تا لا یزالوا (الله را استخوانوا)  
 یا دغا یا مومنین را یار می که آنکه گشته بر زرار  
 قل یا یسین یا الله است سبب، بر این خوف ای یاری  
 کردند  
 علامه سید الشبیب  
 سلام بر آزار

### سیر حوادث ...

نقره خوجا به سوی  
 خدا می شناید، در حالی که  
 ذرات مغزش که بر اثر گلوله  
 مونجعین متلاشی شده بود بر  
 سنگفرش خیابانهای مجاور  
 محله هنوز باقی است، فرمانده  
 میلشیا ی قهرمانی که مادرش  
 ناله کنان می گفت با کارگری  
 بزرگش کردم، او به دلیل  
 جسارت و گستاخی که ویژگی هر  
 میلشیا است، چهره های آشنا،  
 هم در نزد هم رزمان و هم در  
 نزد عناصر چماقدار بود یک  
 ساعت قبل از شهادتش نیز به  
 وسیله سیروس ابوئی تهدید  
 به مرگ می شود، سرانجام با  
 روی باز به آرزوی دیرین خود  
 رسیده و با ریختن خون پاکش  
 مرگ محتوم ارتجاع را نوید  
 می دهد.

اهالی محله ی حنیف که  
 دیگر از دست این نامردمان  
 کارد به استخوانشان رسیده  
 است و هر روز شاهد ضرب و  
 شتم فرزندان قهرمان خود به  
 دست ایادی ارتجاع هستند،  
 طی نامه های به رئیس جمهور،  
 شاهنوش فرماندار جنایتکار شهر  
 عناصر و گردانندگان کمیته از  
 جمله مختار اسماعیلی، شیخ  
 موحدی و فخرالدین موحدی  
 را به عنوان چند تن از مسببین  
 این حملات ضد انقلابی معرفی  
 و خواستار رسیدگی به این  
 جریانات شده و در انتها نیز  
 قید نموده اند که در صورت  
 عدم جلوگیری از این حملات  
 مردم خود دست به اقدام  
 خواهند زد.  
 هم چنین خانواده ی

# گزارش مراسم تشییع جنازه شهدای مجاهد در قائم شهر

جمعیت تشییع کننده حمله می کنند، که در اثر تیراندازی آن ها چند نفر به شدت مجروح می شوند و از جمله عباس فرمانبردار (از هواداران مجاهدین خلق) از ناحیه سینه گردن و شانه زخمی می شود که حال او وخیم است. سپس چند سهرای توسط چماق داران به میان جمعیت پرتاب می شود که در اثر ترکش آن ها عده ای به شدت مجروح و یک نفر به نام فرمان فرمائی جان خود را از دست می دهد. جمعیت از فشار گلوله و گاز اشک آور به سمت خیابان ساری حرکت می کند که وقتی به خیابان "ساری" می رسند تعداد آن ها به حدود ۱۰۰۰۰ نفر رسیده بود. در اینجا در اثر شدت گاز اشک آور و رگبار پاسداران عده ای از جمعیت منفرد شده و جمعی نیز به مقاومت در مقابل هجوم چماق داران می پردازند و جنازه ها با جمعیتی در حدود ۲۰۰۰ نفر به گورستان رسیده و شهدا دفن می شوند.

در طی درگیری هایی که در مسیر تشییع جنازه پیش می آید، مردم به برخی از مراکزی که محل تجمع و بسیج چماق داران و ایادی مسلح ارتجاع حاکم بوده اند هجوم برده که ضمن آن شیشه های این مراکز شکسته می شود. مراسم تشییع جنازه در ساعت ۲ بعد از ظهر به پایان می رسد.

جمعیت مجاور محله را پشت سر گذاشته و به پل هوایی می رسند حدود ۲۰۰ نفر از چماق داران روی پل هوایی از حرکت جمعیت جلوگیری می کنند که در این هنگام مادران به جلوی صف آمده و میلیشیاهای مسئول انتظامات در پشت آن ها قرار می گیرند در اثر برخورد جمعیت با چماق داران آن ها به عقب رانده می شوند و جمعیت به سمت "فلکه" - میدان اصلی شهر - حرکت می کنند. در این هنگام افراد مسلح کمین به شلیک رگبار گلوله و پرتاب گاز اشک آور به صفوف

به دنبال اطلاعیه خانوادگی شهدا (روء یا رحیمی و سمیه (پری) نقره خواجا) که غروب روز ۶۰/۲/۱ توسط گلوله کمیته چی های مزدور حزب منفور حاکم در قائم شهر شهید شده بودند و نیز اطلاعیه مجاهدین خلق ایران - مرکز قائم شهر مبنی بر شرکت در تشییع جنازه، از ساعت ۹ صبح به بعد جمعیت در مسجد حنیف مجاور محله جمع می شوند و در حدود ساعت ۱۱، تشییع جنازه با جمعیتی بیش از ۲۰۰۰ نفر از مسجد آغاز می شود. وقتی



آخرین وداع پدر با فرزند شهیدش میلیشیای قهرمان فاطمه رحیمی

## اطلاعیه مجاهدین خلق ایران ... شهادت دو میلیشیای قهرمان

خواهر مجاهد سمیه نقره خواجا یکی از فرماندهان برجسته میلیشیای قهرمان قائم شهر بود. در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده ی شریف و زحمتکش کارگری به دنیا آمد و در محله "گونی بافی" قائم شهر در میان رنج و زحمت بزرگ شد. سمیه به زودی به صفوف پرشکوه خلق در مبارزات ضد دیکتاتوری پیوست و نقشی فعال در تظاهرات بر ضد رژیم شاه بد عهده گرفت. شخصیت و اخلاق انقلابی سمیه وجه دیگری از سیمای رزمنده و حقیقت جوی او بود. وی ورزشکار بود و علاقه ی زیادی به گوهنوردی و خواندن سرود داشت و انضباط انقلابی در رفتارش چشمگیر بود. شاعر و عبادات را با نظم و شیفتگی و معنویت ویژه ای برگزارد می کرد و به دوستانش همواره، ادای منظم و خالصانه نماز و شعائر انقلابی اسلام را یادآوری می کرد.

در زندگی روزمره اش پیوسته برای حفظ و ارتقاء روحیه ی انقلابی می کوشید. حتی غذای خاصی را که پزشک به علت بیماری به او توصیه کرده بود با گراحت و ناراحتی مورد استفاده قرار می داد و می خواست که همیشه هم چون زحمتکشان و محرومان زندگی کند. مقاومت قهرمانانه ی او در روزهای حمله ی اوپاش به ستاد مجاهدین در قائم شهر و حضور فعالش برای دفاع از مردم مجاور محله در قبال تهاجمات چماق داران از نقاط درخشان زندگی کوتاه و پر بارش بود. این خواهر دلیر بارها و منجمله در روز شهادتش از سوی چماق داران به ترور تهدید شده بود.

سمیه قهرمان در اثر مبارزات پی گیر و صادقانه اش به زودی در صفوف میلیشیای خلق قرار گرفت و پس از کسب صلاحیت های لازم در شمار مسئولین و فرماندهان میلیشیای قائم شهر قرار گرفت. خواهر مجاهد میلیشیای قهرمان فاطمه رحیمی دومین شهیدی بود که در شامگاه روز سه شنبه ۶۰/۲/۱ به دست مزدوران مسلح و انحصار طلبان به خاک افتاد. فاطمه در سال ۱۳۴۴ در خانواده ای زحمتکش در قائم شهر متولد شده و همراه رنج و زحمت رشد کرد و بزرگ شد. او علی رغم سن کمی که داشت در قیام خلق بر علیه رژیم شاه خائن نقش فعالی داشت و با شور و علاقه ی خاصی در تظاهرات شرکت می نمود و این در حالی بود که بسیاری از مقامات مرتجع و جنایتکار گنونی قائم شهر در آن زمان علی رغم اصرار انقلابیون جوانی نظیر فاطمه از صحنه ی نبرد می گریختند ولی اکنون دستشان را به خون این فرزندان پاک و قهرمان خلق آغشته می کنند. . . .

مجاهدین خلق ایران با ادای احترام عمیق و انقلابی به مراتب عزم و ایمان دو فرزند افتخار آفرین خلق و دو میلیشیای قهرمان قائم شهر خواهان مجاهد فاطمه رحیمی و سمیه نقره خواجا شهادت آنان را به عموم هم وطنان عزیز و مردم آگاه و مبارز قائم شهر و خانواده ی شهید پرور آنان تبریک و تسلیت می گویند و بی تردید آنان در اراده های پولادین همزمان مجاهدشان در سراسر کشور حیات و حضور دارند و راه خونبارشان تا حصول جامعه ی بی طبقه ی توحیدی، پرفروغ و پیروز مندا ادامه خواهد یافت.

هم چنین مجاهدین خلق ایران لازم می دانند که به عموم مقامات مسئول کشور هشدار داده و یادآور شوند که اگر چه مردم و هواداران مجاهدین خلق ایران تاکنون در برابر تعرضات وحشیانه ی چماق داران و حامیان مسلحشان به ویژه در شمال کشور، نهایت خویشتن داری و انضباط انقلابی را به مقتضای رعایت مصالح کشور نشان داده اند و حتی از ابراز حد اقل واکنش اعتراضی پرهیز و جلوگیری نمودند، اما اگر به این تهاجمات ضد انقلابی خاتمه داده نشود و اگر قاتلان شناخته شده ی مجاهدان شهید و ماموران و مقامات خائنی هم چون شاهنوش فرماندار جنایتکار قائم شهر، در برابر خلق محاکمه و به مجازات نرسند و اگر خون فرزندان مجاهد خلق با دشمنی چماق داران و گلوله ی پاسداران حامی آنان در نهادهای رسمی هم چنان مظلومانه بر زمین ریخته شود و اگر عوام فریبی ها و دروغ پردازی های دستگاه های تبلیغاتی تنها واکنش و رسیدگی انحصار طلبان در قبال تاخت و تازهای وحشیانه ی چماق داران باشد، آنگاه مجاهدین خلق دیگر قادر به جلوگیری از ابراز واکنش های اعتراضی سراسری نبوده و مسئولیت آن مستقیماً به عهده ی مقامات و مسئولین مملکتی خواهد بود. البته تردیدی نیست که در هر حال سردمداران، آمران، عاملان و زمین سازان این جنایات ضد خلقی، هرگز از چنگال قهر خلق و عذاب خداوند گریزگاهی نخواهند یافت. و سید علم الدین ظلموای منقلب ینقلابیون - ویزودی ستمگران در خواهند یافت که به چه فرجام و مولفگی روانند. مجاهدین خلق ایران - ۳ اردیبهشت ۶۰

## نامه شاهدان عینی جنایات اخیر مقامات قائم شهر به رئیس جمهور

روز شنبه ۱۳۴۴ اردیبهشت  
مقامات مسئول کشور

ریاست و شرفا همسر آن را ایستادگی کنید

ما امضا کننده نامه فرزند در روز شنبه ۱۳۴۴ اردیبهشت و همسر او را با شرفا همسر آن را ایستادگی کنید

شرفا فرماندار (رئیس) و همسر آن را ایستادگی کنید

به کرامت و شرفا همسر آن را ایستادگی کنید

کرده و همسر آن را ایستادگی کنید

پدرش چماق داران و همسر آن را ایستادگی کنید

حرفه اداریت که در آن نامه به سرگشته و بیگانه است (و اما این چنین زخمی و زخمی در زخم)

و حرفه اداریت که در آن نامه به سرگشته و بیگانه است (و اما این چنین زخمی و زخمی در زخم)

آرد و ما این نامه را در روز شنبه ۱۳۴۴ اردیبهشت در قائم شهر

حرفه اداریت که در آن نامه به سرگشته و بیگانه است (و اما این چنین زخمی و زخمی در زخم)

۳ اردیبهشت ۶۰

بقیه از صفحه ۳  
اطلاعیه های مجاهدین -  
شاخه مازندران ...  
مرتجعین و ایادی خود -  
فروخته شان گویا قصد دارند تا در روزهای آینده به آتش افروزیها و جنایات خویش دامنه ی بیشتری داده و مردم شهرها و روستاهای این منطقه را به خاک و خون بکشند. مجاهدین خلق ایران -  
شاخه مازندران ضمن هشدار به کلیه ی دست اندرکاران بخصوص شاهنوش فرماندار ضد خلقی و عامل این هجومها از همه ی مردم قهرمان و آزاده ایران و همه ی نیروهای انقلابی و شخصیت های مرفقی می خواهند که در مقابل این تجاوز آشکار به حریم مردم زحمتکش و آزاده ی مازندران ساکت ننشسته و به وظایف انقلابی خویش عمل نمایند. مجاهدین خلق ایران شاخه مازندران ۳ اردیبهشت ۶۰